





دانشگاه اصفهان

دانشکده زبان و ادبیات فارسی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

رویکرد تحلیلی معنویت از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر

استاد راهنما:

دکتر مجید صادقی

استاد مشاور:

دکتر جعفر شانظری

پژوهشگر:

الهام نعمتی

آبان ماه 1391

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات

و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

شود تلاش پایان نامه
رعایت شده است

رساله ی کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

خانم الهام نعمتی

تحت عنوان

رویکرد تحلیلی معنویت از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر

در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۸ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه... خوب... به تصویب نهایی رسید.

امضا

با مرتبه ی علمی استادیار

دکتر مجید صادقی ۱- استاد/ استادان راهنمای پایان نامه

امضا

با مرتبه ی علمی دانشیار

دکتر جعفر شانظری ۲- استاد/ استادان مشاور پایان نامه

امضا

با مرتبه ی علمی دانشیار

دکتر مهدی امام جمعه ۳- استاد/ استادان داور داخل گروه

امضا

با مرتبه ی علمی دانشیار

دکتر غلامحسین توکلی ۴- استاد/ استادان داور خارج از گروه

امضاء مدیر گروه

امضاء

تقدیرم به

خورشید در نشان زندگیم، اسطوره همبرانی، سربل صبر و صداقت و تفریح بربر. بودن وز یرتتم

مادر نازینم

که به جانم بشکوه و ابرو بپوشد چینه‌شان که دلای عشق و صفت نپذیرنم ز دود و جودش هر وار در سنجی های زندگی تکیه گاهم بود بر پاس همبرانی بنی نش

تقدیرم به

بلندای آرمان زندگیم اروه‌ی صفا و صیریت

پدر همبرانم

که فتح قلبهای سنجی را با همت به من آموخت هم که او حاصل کینش تلاش تلا خالصانه به پایم ریخت و شکوفایی و پویندگی ام از ماندگی آفتاب همراورت

بر پاس زحمات فراوانش

تقدیر تشکر:

خدا را شاکرم که توفیق بگارش و به انجام رساندن پایان نامه محض مرا به بنده عنایت فرموده و قبل از هر چه نر

مشتاقم و بر خود فرض مدونم که از زحمات و راهنمایی‌های آقای دکتر که در تهیه و تکمیل این رساله علمی

نموده و به هر دلیلی در طول تدوین پایان نامه مرا با صبر و حوصله راهنمایی و جانب روده اند

تشکر و قدردانی ز نام.

چکیده

معنویت و رویکردهای مختلف به آن، از مباحث مهم کلام جدید و دغدغه کثیری از متفکران و محققان این حوزه است که در قرن حاضر بسیار به آن توجه شده است.

در بین متفکران مسلمان، چهار اندیشمند که در عین برخورداری از اشتراکات عقیدتی - فرهنگی، رویکردهای نسبتاً متفاوتی بر این مقوله دارند. آیت الله جوادی آملی، سید حسین نصر، عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان که هر چهار دین پژوه مسلمان، شیعی و ایرانی هستند لکن در موضوعی اختلاف نظرهایی که بعضاً اساسی است در باب معنویت دارند، این اختلافات در مباحثی همچون تعریف معنویت، رابطه دین و معنویت، دنیاگرایی و معنویت و راههای وصول به معنویت خود را نمایان ساخته است.

در کَند و کاوی که در آثار این شخصیت ها انجام شد، خطوط برجسته ای در محورهای ذیل قابل تأمل و پی گیری است:

الف) آقای جوادی آملی بر معنویتی تأکید می کند که بر پایه و مبتنی بر دین اسلام باشد و معتقد است انسان ها به برکت وحی به معرفتی دست می یابند که در پرتو آن می توانند به معنویت حقیقی و الهی نائل شوند.

ب) سید حسین نصر، معنویت در اسلام که از باطن و سنت سرچشمه گرفته باشد را می پذیرد و اصل و اساس معنویت را به درونی بودن آن می داند که انسان را از درون به حقیقت الهی پیوند می زند. نگاه او به دین بیشتر به لایه های عرفانی و باطنی آن است.

ج) عبدالکریم سروش، بر اساس این اعتقاد که ما همواره با فهم جدیدی از دین مواجهیم، در نتیجه معنویت حاصله را هم متحول دانسته و معتقد است معنویت امری شخصی و فردی است و چه بسا در شرایط و اقتضائات زمانی مختلف متفاوت باشد.

د) مصطفی ملکیان، بر لزوم تلاش برای جمع میان عقلانیت و معنویت تأکید زیاد دارد، زیرا در نظر وی، معنویت چیزی جز تدین عقلانی یا عقلانیت دینی نیست. او معنویت را مقوله ای جدا از دین دانسته و دغدغه ی رواج معنویت عمومی سکولار همچون طب عمومی دارد.

ه) با دقت در موارد قبل، یکی از بنیادی ترین نقطه اشتراک این چهار متفکر مذکور بحث مطابقت معنویت با دین شکل می گیرد، منتها با این تفاوت که برخی با حضور حداکثری دین در این مورد موافقت و برخی با حضور حداقلی دین.

امید است که این پژوهش کمک مؤثری در زمینه ی مسائل معنویت باشد.

کلید واژه ها: معنویت، دین، سکولاریسم، حقیقت دین، ارتباط معنویت با دین. جوادی آملی، نصر، سروش، ملکیان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات	
1-1- شرح و بیان مسئله ی پژوهشی	1
2-1- پرسش ها	3
3-1- اهداف تحقیق	3
4-1- اهمیت و ارزش تحقیق	3
5-1- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق	4
6-1- تعریف معنویت	4
7-1- تعریف سکولاریزم	5
8-1- شاخصه های معنویت	6
9-1- فقدان معنا وهدف	7

فصل دوم : دین و معنویت از دیدگاه جوادی آملی

1-2- مقدمه	10
2-2- شرح حال و آثار	11
3-2- تعریف دین از دیدگاه جوادی آملی	13
4-2- ویژگی های دین	13
5-2- معنویت از دیدگاه جوادی آملی	16

عنوان	صفحه
1-5-2- رابطه ی قوای ظاهر و باطن	17.....
2-5-2- معنویت پلی برای رسیدن به رستگاری	18.....
6-2- معرفت شناسی از دیدگاه جوادی آملی	20.....
7-2- نقد و نظر جوادی آملی درباره ی سکولاریسم	23.....

فصل سوم : دین و معنویت از دیدگاه سید حسین نصر

1-3-1- مقدمه	27.....
2-3-2- شرح حال احوال و آثار سید حسین نصر	28.....
3-3-3- بررسی برخی از آرا و اندیشه های دکتر نصر	30.....
1-3-3-1- سنت	30.....
1-1-3-3- ارتباط سنت و دین	32.....
2-3-3-2- تصوف	33.....
3-3-3-3- پلورالیسم	34.....
4-3-3-4- دین و سیاست	35.....
4-3-4- معنویت از منظر نصر	35.....
5-3-5- شناخت امر قدسی : طریق رستگاری	39.....
6-3-6- ویژگی های اخلاق معنوی	40.....
7-3-7- تقابل ساحت های معنوی و مادی در حیات بشر کنونی	41.....
8-3-8- دین در نگاه نصر	43.....

عنوان	صفحه
9-3- نقد سکولاریسم.....	47
10-3- علم سکولار و علم دینی	48
1-10-3- تمایز میان معرفت ، مابعدالطبیعه و علم	49

فصل چهارم : دین و معنویت از دیدگاه سروش و ملکیان

1-4- مقدمه	51
2-4- شرح حال و آثار سروش	52
3-4- دین از دیدگاه سروش	54
4-4- ویژگی های دین از منظر سروش	56
5-4- آیا دین ایدئولوژی است ؟	58
6-4- تفکیک سه نوع دینداری از نظر سروش	60
1-6-4- دینداری معیشت اندیش	61
2-6-4- دینداری معرفت اندیش	62
3-6-4- دینداری تجربت اندیش	62
7-4- معنویت از دیدگاه سروش	64
8-4- معرفت دینی از منظر دکتر سروش	65
9-4- سکولاریسم از دیدگاه سروش	69
1-9-4- دین سکولار	75
2-9-4- تغییر نگاه انسان مدرن به عالم	76

- 10-4- پلورالیسم دینی 77
- 11-4- شرح حال و آثار مصطفی ملکیان 79
- 1-11-4- آثار و تألیفات ملکیان 80
- 12-4- دین از دیدگاه ملکیان 80
- 13-4- معنویت از نگاه ملکیان 86
- 1-13-4- تقریر حقیقت و تقلیل مرارت 86
- 2-13-4- ویژگی های انسان معنوی 88
- 14-4- دین شناسی در اندیشه ملکیان 89
- 1-14-4- حقانیت یک دین به چیست ؟ 90
- 2-14-4- هدف دین 91
- 3-14-4- آفات دین و دینداری در جهان معاصر 92
- 15-4- سنت و تجدد از منظر ملکیان 93
- 16-4- سکولاریسم از منظر ملکیان 94
- 1-16-4- معنا و مفهوم سکولاریسم در گفتار ملکیان 96
- 2-16-4- دلیل سکولاریسم و پیش فرض های آن از منظر ملکیان 97

فصل پنجم : نتیجه گیری

- 1-5- ارزیابی و نتیجه گیری 99
- 2-5- وجوه اشتراک و افتراق چهار متفکر معاصر 103
- فهرست منابع و مأخذ 106

پیشگفتار

تفکر ، دیرینه ای همپای وجود انسان دارد ، اگر چه افق فکری او مُدام دیگرگون شده است . اما چیزی که تغییر نکرده ، اصل تفکر و اندیشیدن است . اینکه زندگی چه معنایی دارد؟ و فلسفه زندگی چیست؟ و آدمی به کدام سو رهسپار می شود؟ و از کجا آمده است؟ و بهر چه آمده است؟ و بطور کلی حقیقت چیست؟ آدمی از چه طریق به مبدأ خویش متصل می شود؟ و حاصل این اتصال به حقیقت غایی و نهایی چیست؟ معنویت چیست و چگونه حاصل می شود؟ آدمی معنویت خویش را چگونه کسب می کند؟ آیا او برای دستیابی به معنویت حقیقی نیازمند اتصال به یک منبع ماوراء الطبیعی است؟ یا بنفسه می تواند به معنویت حقیقی دست یابد؟ آیا در سایه معنویت حقیقی می توان یک زندگی سعادت‌مندانه داشت؟

این پرسش و صدها پرسش دیگر از دیرباز ذهن انسان را گزیده و او را به تکاپو واداشته است تا راهی برای فهم آنها و یا حداقل نزدیک شدن به آنها بیابد.

فصل اول

کلیات

1-1 شرح و بیان مساله پژوهشی

امروزه یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در جهان معاصر، ترویج معنویت است. دشواری فهم و تبیین دنیای آمیخته به شر و حوادث غیرعادی، خاطر انسان معاصر را پریشان کرده و موجبات رنج وی را فراهم آورده است. سخن از معنا و معنویت در پاسخ بدین وضعیت رنج آور، شرایط درد آور زندگی را برای انسان آسان می کند. در فصل اول بر آنیم، ابتدا تعریفی از مفهوم معنویت ارائه دهیم و شاخصه های معنویت را بررسی کنیم، سپس به تبیین مسئله ی پژوهشی و معرفی اجمالی رویکرد چهار شخصیت بعنوان چهره های شاخص از جمله آیه الله جوادی آملی، سید حسین نصر، عبدالکریم سروش، مصطفی ملکیان را بررسی کنیم و از آن جهت ایشان را انتخاب کردم که نماینده چند نوع تفکر در ایران هستند، آیه الله جوادی آملی نماینده تفکر دینی و حوزوی و نصر نماینده تفکر سنت گرا و سروش و ملکیان نمایندگان تفکر مدرن هستند و نیاز به بررسی افکار و آرایشان در این زمینه هستیم تا با رویکردهایشان به معنویت آشنا شویم.

بررسی آرای اندیشمندان معاصر، هر یک به گونه ای سعی در اثبات راههای رسیدن به معنویت اصیل و حقیقی به شیوه ای که مطرح می کنند، دارند. از جمله اندیشمندان معاصر آقایان آیه ... جوادی آملی، دکتر حسین نصر، دکتر عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان در این باب صاحب نظرند. آیه ... جوادی آملی بعنوان نماینده تفکر سنتی و حوزوی خدا محوری را مهم ترین شاخصه ی معنویت می داند، و در مقابل این تفکر افرادی همچون سروش و ملکیان با رویکردی که بیشتر متأثر از مغرب زمین است، معنویت را ترویج می کنند که بیشتر فرادینی است و بعضاً با شاخصه های سکولاریستی سازگار است. دکتر حسین نصر تحصیلکرده و سالها ساکن غرب است در عین حالی که با تفکر دانشمندان مغرب زمین بخوبی آشناست لکن سعی کرده است حلقه واسطی بین تفکر سنتی اسلامی و جریانهای جدید باشد در عین حال بر سنت تأکید میورزد. معنویت که آیه ... جوادی آملی مطرح می کند، معنویت مطرح در دین اسلام است، اساساً با معنویت های امروزی متفاوت است، در این نوع معنویت انسان را محدود و محصور به زندگی دنیا نمی داند بلکه زندگی اصلی او را نشئه ای دیگر دانسته و همه زندگی دنیا با همه ی شادی و بیم ها و امید هایش را به منزله ی گذرگاه و پلی برای وصول به حیات حقیقی می داند. دکتر عبدالکریم سروش، یک روشنفکر دینی است، در طی سالهای فعالیت فکری خود همواره کوشیده است تا با ارائه دادن تاویلی جدید از اسلام آن را برای انسان امروز قابل فهم کند. و رویکردی سکولار نسبت به معنویت دارد. معنویت مورد نظر ملکیان، معنویت است که همراه با عقلانیت باشد و معتقد است نوع بشر در هر زمان به دین نیاز دارد، اما نه به ادیان مرسوم، او باید فهم جدیدی از دین داشته باشد و این فهم جدید همان معنویت است. در معنویت، ملکیان دغدغه رنج زدایی دارد و معتقد است تنها کسی که در این جهان با رضایت باطن زیسته باشد، می تواند در جهان دیگر به رضایت باطن برسد. برای چگونگی معنوی زیستن در دنیا و عقبی از عقل کمک می گیرد. سید حسین نصر معروف ترین نماینده جریان فکری سنت گرایی است. دکتر نصر از طرفداران ترویج معنویت با رویکرد صوفیانه است، نصر با تأکید بر معنویت صوفیانه، تصوف را قلب و مغز اسلام می خواند. ایشان معنویت حقیقی را در معنویت اسلامی می داند که مستقیماً از قرآن و سنت پیامبر سرچشمه گرفته است. این معنویت بر پایه معانی باطنی آیات قرآن و بخشی از اعمال رسول خدا (ص) که به زندگی باطنی مربوط بوده است. توجه نصر به مقوله ی عرفان اصیل و نفی عرفان های بشری و سکولار از امتیازات اوست و بر این باور است که تنها راه برون جستن از مرتبه حیوانیت انسان مدرن حکمت قدسی و معرفت سنتی است.

در این پایان نامه با توجه به اینکه پرداختن به کلیه متفکران معاصر مقدور نیست، به چهار شخصیت بعنوان چهره های شاخص سه رویکرد به معنویت میپردازیم و نظرات و اختلافات نظر های آنان را مورد بحث و بررسی قرار

خواهیم داد . و ایشان نماینده سه نوع تفکر در دنیای معاصر می باشند . آقای جوادی آملی نماینده تفکر معنویت با رویکردی الهی - دینی است . و آقای نصر حلقه واسط بین سنت و مدرنیسم است و رویکردی متعادل دارد . و آقایان سروش و ملکیان که در سایه تفکر مدرن غرب رشد یافته اند ، بالطبع متأثر از مدرنیته رویکردی سکولار نسبت به معنویت دارند . در این پژوهش ، ابتدا به تبیین موضوع پرداخته شده است و سپس رویکرد های مختلف ، متفکران نامبرده بررسی شده است و در بررسی این مسأله ، با نظرات و دیدگاه های متفاوت ، مواجه می شویم ، که باید به علت و ریشه یابی این گونه اختلافات پرداخته شود .

اندیشمندان معاصر به این پژوهش اهتمام خاص داشته و برخی از آنها پایان این بحث را به درست کردن و به حاشیه راندن دین و کمرنگ کردن نقش آن در عرصه اجتماع پرداخته اند .

نگارنده با این انگیزه که بتواند این مسأله اساسی فکری را بررسی کرده و به بیان رویکردهای در این زمینه پرداخته و شأن و کارکرد معنویت را آشکار نماید ، به نگارش این رساله می پردازد .

1-2- پرسش ها

- 1-از دیدگاه متفکران مسلمان، معنویت پاسخگویی چه نیازهایی از انسان است ؟
- 2- معنویت مورد تاکید اندیشمندان معاصر چه وجوه اشتراک و افتراقی دارد ؟
- 3-ویژگیهای مورد نظر اندیشمندان معاصر برای معنویت شمردن یک امر چیست ؟
- 4-ویژگیهای معنویت دینی و سکولار از نظر متفکران معاصر چیست ؟

1-3- اهداف تحقیق

- 1-ویژگیهای امر معنوی از دیدگاه های مختلف اندیشمندان معاصر
- 2-تبیین و تحلیل معنویت از دیدگاه معاصران
- 3-شاخصه های معنویت دینی و سکولار از دیدگاه معاصران .

1-4-اهمیت و ارزش تحقیق

همه چیز در دنیای ما در حال گسترش است، مخصوصاً انحطاط معنوی این قرن که وسعت روزافزون یافته است. از آنجایی که معنویت، ارتباط با خدا و تعهد دینی عموماً یک احساس درونی و امری فطری است. و تفسیر از معنویت به این روش کاسته شده و به شکل انسانمدارانه مطرح است و دیگر انسان لازم نیست به منبع الهی متصل شود و از ارزش این ارتباط کاسته است. از اینرو در این تحقیق بر آنیم با بررسی و تحلیل نظرات اندیشمندان معاصر ایران به عنوان نمایندگان تفکر معنویت برون دینی و درون دینی، بهره جویی کنیم. ارزش معنویت تا آنجایی است که برخی از متفکران آن را به مثابه ی گوهر ادیان نامیده اند. و در همه ی ادیان به مسأله معنویت توجه می شود و هدف اکثر ادیان رسیدن به معنویت است، حال هر یک به شیوه ای به آن می رسند. و در اینجا باید به این توجه کرد که معنویت حقیقی چیست و سعی بر این است که در این پژوهش معنویت راستین از کاذب تشخیص داده شود

1-5- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

با بررسی های بعمل آمده در زمینه مورد بحث آثار ذیل به رشته تحریر در آمده است:

- 1- آقای مصطفی ملکیان، در کتاب راهی به راهی، به جستارهایی در عقلانیت و معنویت پرداخته، طبق تفسیر ایشان از معنویت، معنویت چیزی جز تدین عقلانی یا عقلانیت دینی نیست.
- 2- آقای حمید اسماعیلی در مقاله ی "معنویت بدون دین" مجله ی فرهنگ و هنر، مرداد 1382- شماره 3 به تحلیل و نقد بر پروژه "عقلانیت و معنویت مصطفی ملکیان" پرداخته و معتقد است که ایده ی ملکیان، یک ایده ی آرمانی است و نقش دین را در توسعه علمی منفی می داند.
- 3- دکتر سید حسین نصر، در کتاب معرفت و معنویت می کوشد نشان دهد که عقل و ایمان متقابلاً می توانند مناط اعتبار قرار گیرند.

1-6 تعریف معنویت

تعریف معنویت حتی از دین هم دشوارتر است. معنویت بیانگر اعتقاد به روح "به معنای بُعد ابدی و غیرمادی انسان" است. برخی نیز در تعریف معنویت نقطه ای می دانند که در آن فرد به آرامش و رضایت باطن می رسد می رسد.

«معنویت» در لغت مصدری جَعَلی، و از واژه «معنوی» ساخته شده است. معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه معنی که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است، مشتق گردیده است. بنابراین، معنوی یعنی منسوب به معنی و در مقابل لفظی است. این کلمه در معانی دیگری از جمله: «حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی، و روحانی» نیز به کار می رود. مترادف با واژه «معنویت» در زبان انگلیسی واژه استعمال میشود. این واژه خود از اسم «spiritus» کلمه ای لاتین به معنای «نفس و دم» اخذ شده است. «spiritus» نیز از «spirare» به معنای دمیدن یا نفس کشیدن گرفته شده است. در ترجمه های لاتین انجیل عهد جدید «spiritualis» یا شخص معنوی به کسی گفته میشود که زندگی او را روح القدس یا روح خدا نظم میبخشد و یا بر آن تأثیر میگذارد. .

واژه انتزاعی «spiritualitas» که همان «spirituality» یا معنویت میباشد، حداقل در اوایل قرن پنجم، به همین معنای مأخوذ از انجیل به کار رفته است. اما با شروع قرن دوازدهم، معنویت معنای ضمنی کم و بیش با کارکرد روان شناختی به خود گرفت که در مقابل جسمانیت یا مادیت قرار داشت. با این حال، معنای دیگری به سرعت پدیدار شد که طبق آن معنویت بر اشخاص یا امکانات مربوط به کلیسا دلالت می کرد. در قرن هجدهم و نوزدهم کاربرد این واژه یعنی «spirituality» رو به افول گذاشت. این واژه تنها در اوایل قرن بیستم دوباره، با تجدید حیاتی که عمدتاً به کمک نویسندگان کاتولیک فرانسوی صورت گرفت، در معنای اصلی دینی یا نیایشی و به تدریج بر امور ویژه و گوناگونی اطلاق گردید. اکنون نیز حتی برخی حوزه های تحقیق مربوط به علم کلام و تاریخ ادیان را نیز نشان می دهد. جالب اینکه واژه «معنویت» با بار معنایی خاص بر سر زبان ها ردّ و بدل می شود. امروزه بسیاری در غرب تمایل چندانی به کاربرد واژه دین و یا دینی ندارند؛ زیرا برای ارائه مراد خود معنویت و معنوی را مناسب تر می دانند. (ناروئی نصرتی، 1386، ش 87).

7-1 تعریف سکولاریزم

سکولاریزم یکی از مفاهیم و ایده هایی است که هر چند حدود چهار قرن می شود در غرب با معنا و تعریف مشخص متولد شده و اکنون به عنوان یک شیوه فکری و اصل ثابت و و پذیرفته شده در دموکراسی غربی در آمده است؛ ولی آن چنان که باید در مشرق زمین و به خصوص در جوامع اسلامی تعریف نشده است.

سکولاریزم از واژه هایی است که درباره معنی و مفهوم آن اتفاق نظر وجود ندارد، از این رو، تعریف های گوناگون و متفاوت از آن ارائه شده است. معروف ترین اصطلاح که در کشورهای پروتستانی رواج یافته، واژه «secularism» است که برگرفته از واژه «secular» است، به معنای این جهانی گرفته شده است.

در فرهنگ آکسفورد آمده است آن چه که دنیایی، این جهانی و منقطع از کلیسا و دین باشد، در فرهنگ علوم سیاسی، سکولاریزم را به معنای جدایی دین از سیاست نامیده اند. در فرهنگ تفکر اجتماعی آمده است: سکولاریزم مکتبی است که می کوشد تا مجموعه اصولی برای رفتار انسان مبتنی بر تجربه و معرفت عقلانی در برابر رفتار مبتنی بر ماوراء الطبیعه و الهیات ایجاد نماید. در زبان عربی از سکولاریزم به علمانیت تعبیر شده است، و علمانیت منسوب به علم به معنای عالم است که خلاف دین یا قدسی می باشد. معنویتی که سکولارها به کار می برند، هدفش کاهش رنج انسان ها و رسیدن به نقطه ی آرامش است.

8-1 شاخصه های معنویت

معنویت از مفاهیمی به شمار می آید که بشر به خصوص در دوران فرامدرن توجه بیشتری را به آن مبذول داشته است. تمدن و تکنولوژی جدید، یکی از عوامل مهم غفلت آدمیان از اصلی ترین ساحت وجودی خود، یعنی روح ملکوتی و در نتیجه فروپاشی بنیاد های اخلاق و معنویت در جهان معاصر بوده است. ناتوانی تمدن صنعتی در برآوردن نیاز های معنوی و ارزشی انسان معاصر و در نتیجه ظهور بحران ها و بن بست های بغرنج در فضای ذهن زندگی آدمیان، سبب شده است تا بار دیگر، دل های مضطرب، متوجه وسیله ای شود، تا انسان دورافتاده از اصالت های خویش را از گرداب وحشتناک کنونی نجات داده و به ساحل امن سعادت رهنمون شود. در این میان آنچه سخت نگران کننده و هشدار دهنده است، سر بر آوردن کیش ها و مسلک ها و فرقه های عرفانی گوناگونی است که در قالب ها و مدل های رنگارنگ و جذابی عرضه می شود؛ درحالی که هیچ بهره ای از چشمه سار حقیقت به مخاطبان کمال جوی خود تقدیم نمی کنند. (مظاهری سیفی، 1387، ص 72)

معنویت در قالب دو شکل ممکن است در جهان امروز کاربرد داشته باشد، معنویت الهی و دینی و معنویت سکولار. به نظر می رسد امروزه، استفاده از واژه معنویت دومطلب را به ذهن متبادر می کند: از یک طرف به

روحانیت و تقدس اشاره دارد و از طرف دیگر به معنادهی به ویژه به معنای زندگی. معنویت محدود به باطن و درون نیست، بلکه در پی وحدت بخشیدن به همه ی ابعاد تجربه ی انسانی است.

«معنویت در سنت اسلامی واژه ای برای بیان گوهر و باطن دین اسلام است که می توان تاریخ پیدایش آن را همزمان با نزول آغازین آیات قرآن کریم بر قلب پیامبر اسلام (ص) دانست. قرآن کریم از هنگام نزول تا زمان حاضر، منبع و مرجع اصلی معنویت بخشی به عقل و قلب مخاطبینش بوده است. قرآن هم معنویت به معنای روحانیت و قدسیت را داراست و هم معنویت به معنای معنادهی و معنابخشی به زندگی مسلمین را».

9-1 فقدان معنا و هدف

یکی از شاخصه های بارز عصر حاضر، کم رنگ شدن خداباوری و معنویت گرایی است. بشر امروز به دلیل تهی شدن از ارزش های الهی و معنوی، در مسیر انحراف و خشونت و جنگ و بی عدالتی و ترس و وحشت و ناامنی گام نهاده است. مکاتب فلسفی غرب همچون اومانیزم (انسان مداری)، سایننتیسم (علم گرایی) و سکولاریسم (دنیاگرایی) و لیبرالیسم (آزادی طلبی) با آنکه داعیه نجات، آزادی و عدالت و تأمین امنیت و حقوق انسان را وعده می دادند، ولی به تنها چیزی که دست نیافتند، همین ارزش های عام انسانی بود، انسان مدرن با اعلام استقلال و استغنا خود از خدا، به عالم معنا و امر قدسی پشت کرده و رویکردی سکولاریستی اتخاذ کرده است. تمدن غرب بر پایه اصالت علم و تجربه و اصالت دادن به خواست و اراده بشری، خود را از دین و معنویت بی نیاز شمرد و خواست جهانی بدون حضور و دخالت خداوند بنیان نهاد. تفکر مدرن با تقلیل دادن ادراکات به سطح ذهنی و کمی و تجربه پذیر، هرگونه ارتباط معنوی انسان با جهان هستی با مبدأ غیبی را نادیده می انگارد و به دیگر سخن، هرگونه ارتباطی میان خدا و جهان را نفی کرده است. امروز بشر به اسم "مبارزه با اسطوره و خرافات" همه ی ارزش های متعالی و قدسی دین را نیز نفی می کند. در آنجا، تنها ارزش پول، شهرت جنجالی و قدرت به مبتذل ترین و مضحک ترین شکل آن، حاکم است. امروزه بشر در سایه دستاوردهای علمی، جلوه های متنوع لذت و سرگرمی های مادی را تجربه کرده است؛ ولی از دست مشکلات روحی و احساس ناامنی و پوچی نجات نیافته است، بلکه اضطراب و احساس پوچی و بی معنایی بیش از گذشته جان بشر امروز را می خلد.

دردنیای امروز، نوعی شتاب و عجله نامعقول، که لازمه مدرنیسم و تجدّدطلبی است، امکان چشیدن مزه و طعم زندگی واقعی را از انسان سلب کرده است. انسان هر چه بیشتر می خواهد به لذت مطلق و قدرت و رفاه بیشتر دست یابد، این عطش سیرناشدنی، او را به تنش و کشمکش و بهره وری از سایر انسان ها و همنوعانش می کشاند. نگاه ناقص و معیوب و زمینی غرب به انسان، او را از منزلت انسانی خود دور کرده است. روند پیشرفت های صرفاً صنعتی، و احساس بی پناهی و بردگی ناخواسته در برابر غول ماشینیزم، وحشت و اضطراب از آینده مجهول و تاریک، دلهره از عدم موفقیت در زندگی، دلهره آینده موقعیت اجتماعی، آینده تحصیلی، اشتغال، آینده اقتصادی و آینده فرزندان در همه این زمینه ها بشر امروز را دچار دلهره و اضطراب و تردید کرده است. انسان امروزی در عمق وجود خود، از خویشتن هم می ترسد؛ زیرا دیگر به علم جدید و خرد روشنگری اعتماد ندارد و خدای آسمانی را نیز از زندگی خود بیرون کرده است. انسان دیروز، که به قابلیت های عقلانی و تجربه های گران سنگ خود پی نبرده بود، همه چیز را از عالم بالا و ماورای طبیعت طلب می کرد؛ اما انسان امروز با اینکه در بسیاری از چیزها بر فکر و توانایی های عقلی و عملی خود تکیه کرده است و چنان احساس استغنا می کند که اصلاً یا به سراغ دین نمی رود و یا اگر هم می رود، طلب کارانه و حق خواهانه می رود و از سر استغنا و تکبر، به جای تعبد و کرنش در برابر خداوند و بجا آوردن مقتضیات بندگی، ادعای حق مداری می کند و از انتظارات بشر از خدا و دین سخن می گوید.

انسان امروز بیشتر به زندگی مادی و دنیوی خود و رفاه طلبی و تنعم طلبی روی آورده است، و جهان دیگر و دیگر حقایق برتر از این عالم مادی و دنیوی را بکلی نفی کرده و نادیده می انگارد و هیچ نمی خواهد بداند که ماورای این دنیای مادی، معنا و حقیقتی متعالی نیز وجود دارد. انسان امروز هدف واقعی زندگی خود را گم کرده است و در دنیای خود ساخته و آرمان ها و در اسارت امیال نفسانی خود محصور شده است. در اینکه انسان ها نیازهای متفاوتی و متنوعی دارند، شکی نیست؛ اما تنها یک قسمت از نیازمندی های انسان جنبه مادی و رفاهی است و بشر تا حد زیادی در این زمینه، به آرزوها و خواسته های خود دست یافته است. اما قسمت دیگر نیازهای بشر، نیازهای معنوی است که مربوط به روح و فکر و خیال و آرامش درونی اوست. از جمله این نیازمندی های معنوی انسان، روح خداجویی و احساس وابستگی و تکیه بر قدرت برتر و جاودانه است که شایسته اتکا و توکل و قابل تقدیس و ستایش و دارای شعور و علم است. تا آنجا که تاریخ گواهی می دهد، انسان در راه تأمین این خواسته و نیاز، تلاش های دامنه دار و پی گیری داشته و با مشکلات و سختی هایی نیز در این زمینه